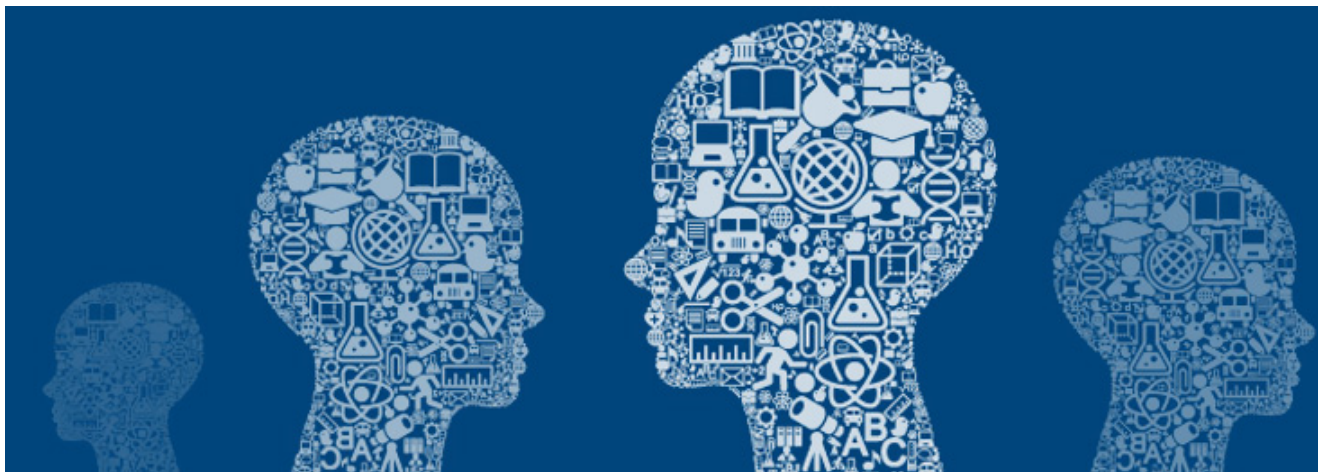




ماده حواس ظاهری و باطنی

همانطور که گفتیم مولود اصلی افلاک و عناصر، انسان است و سایر موجودات نواقص و سقط شده هایی از نکاح این دو است. و در این ترکیب (فی ما بین افلاک و عناصر) نه قبضه از افلاک برداشت شده که حیات و ارتباط با عوالم غیب (قوای ظاهری و باطنی) انسان به آن نه مرتبه وابسته بوده و یک قبضه از زمین (عناصر) است که اسطقس جسد ظاهری انسان است.

اما آن نه قبضه ای که مربوط به افلاک است عبارت اند از:

- 1- عرش: که از آن ماده عقل خلق شده
- 2- کرسی: که از آن ماده نفس خلق شده
- 3- زحل: ماده قوه عاقله از آن است
- 4- مشتری: ماده قوه عالمه از آن است
- 5- مریخ: ماده قوه واهمه از آن است
- 6- شمس: ماده ثانیه اش از او است (برزخ و رابط ما بین افلاک و عناصر)
- 7- زهره: ماده قوه متخیله از آن است
- 8- عطارد: ماده قوه متفکره از آن است
- 9- قمر: روح حیوانی از آن برداشت شده

این نه قبضه اسطقسات (ماده) قوای ظاهری و باطنی اوست. ([قوای ظاهری](#) از فلک قمر بوده و [قوای باطنی](#) از افلاک ما قبل است، به همان ترتیب که ذکر شد)

در این مورد امام صادق (ع) میفرمایند:

الانسان خلق من شأن الدنيا و شأن الآخرة فاذا جمع الله بينهما صارت حيوته في الارض لانه نزل من شأن السماء الي الدنيا فاذا فرق الله بينهما صارت تلك الفرقة الموت ترد شأن الاخري الي السماء فالحيوة في الارض و الموت في السماء و ذلك انه يفرق بين الارواح و الجسد فردت الروح و النور الي القدرة الاولى و ترك الجسد لانه من شأن الدنيا.

یعنی:

انسان از دو جهت خلق شده، جهتی از دنیا و جهتی از آخرت. پس چون خداوند میان این دو را جمع کند، زندگی انسان در دنیا پدید می آید، زیرا حیات (روح) از امر آسمانی بر دنیا نزول نموده و پایین آمده است و چون خداوند بین آن دو تفرقه و جدایی افکند، حقیقت این جدایی مرگ است که آن امر اخروی به آسمان برمی گردد. بنابراین، زندگی در زمین است و مرگ در آسمان. به علت آن که چون بین ارواح و جسد تفرقه افتد، روح به همان مقام قدرت اولیه خود برمی گردد و جسد را ترک میکند زیرا آن از شئون دنیا است.